

①

۲۵ بهمن ۱۳۸۵
۲۵ محرم الحرام ۱۴۲۸

به سوی معرفت

مجموعه گفتارهای
علمی، اخلاقی
حضرت آیت الله یثربی «دامت برکاته»

امام کیست؟
امامت چیست؟

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةَ اللهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ » .

قال الله العظيم في كتابه الكريم أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا

يُوقِنُونَ ﴾ (۱)

و از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند

چون شکیبایی نمودند و به آیات ، یقین داشتند .

امروز روز شهادت امام زین العابدین سید الساجدین علیه السلام می‌باشد . به

مناسبت امروز و به برکت امام سجاد علیه السلام می‌خواهیم بحثی را آغاز نمایم . البته

بحث این جلسه به عنوان مقدمه‌ای برای مباحثی می‌باشد که انشاء الله در

آینده خواهیم داشت .

کلمه امام یکی از کلمات متداول در زبان و زمان ما می‌باشد . کلمه‌ای

که اهل دیانت و مؤمنین حداقل در روز چند مرتبه تکرار می‌کنند . اما گمان

می‌کنم کلمه امام از مظلومترین و مجهولترین کلمات باشد . این کلمه نوعاً برای

ما بطور تفصیلی روشن نیست و همه یک آگاهی اجمالی از کلمه امام داریم .

امام کیست؟ امامت چیست؟

سعی می‌کنیم به این پرسش در این جلسات پاسخ دهیم . در گذشته

۱ - سورة سجده ، آیه ۲۴ .

بعد از نماز در مساجد دعایی خوانده می‌شد که متأسفانه امروزه مورد بی توجهی قرار گرفته است :

« اللهم عرّفني نفسك فإنّك إن لم تعرّفني نفسك لم أعرف رسولك ،
اللهم عرّفني رسولك فإنّك إن لم تعرّفني رسولك لم أعرف حجّتك ،
اللهم عرّفني حجّتك فإنّك إن لم تعرّفني حجّتك ضللت عن ديني »^(۱) .
خداوندا خودت را به من بشناسان که برستی اگر خودت را به من نشناسانی
پیامبرت را نشناسم خداوندا پیامبرت را به من بشناسان که به راستی اگر
رسولت را به من نشناسانی حجّتت را نشناسم خداوندا حجت خود را به من
بشناسان که به راستی اگر حجت خود را به من نشناسانی در دین خود دچار
گمراهی می‌شوم .

زرارة ابن اعين که یکی از معتبرترین و ارزشمندترین و موثق‌ترین
روایات احادیث شیعه می‌باشد ، چنین می‌گوید :

روزی خدمت امام صادق عليه السلام شرفیاب شدم و سخن از امام موعود و
معرفت او به میان آمد . حضرت به من این دعا را تعلیم کردند ، و گفتند اگر
امام عليه السلام را درک نکردی این دعا را بخوان تا خدا به تو معرفت دهد .
مضمون دعا روشن می‌کند که معرفت امام عليه السلام باید از طریق خداوند
باشد و از غیر طریق خداوند نمی‌شود امام عليه السلام را شناخت . امامت عظمی و
حجت کبری را باید از ناحیه خدا بشناسیم . و غیر از راهی که خدا معرفی
می‌کند بقیه راه‌ها به ضلالت و گمراهی می‌انجامد .

۱- کافی جلد ۱ صفحه ۳۳۷ .

حال ما برای اینکه امام علیه السلام را بشناسیم از قرآن یاری و استمداد می‌جوییم. در قرآن آیات متعددی در رابطه با امامت و ولایت وجود دارد. آیه‌ای را که در ابتداء سخن خواندم آیه ۲۴ سوره سجده بود. شبیه به این آیه یک آیه دیگر در قرآن وجود دارد^(۱).

برای فهم بیشتر آیه باید به چهار نکته توجه کرد.

نکته اول: مقام امامت نیازمند به جعل الهی است. با انتخاب سقیفه و با اجماع مردم و با گرایش یک گروه کسی که قابلیت امامت ندارد امام نمی‌شود. از دیگر سوی کسی که به جعل الهی قابلیت امامت دارد با اعراض و بی‌اعتنایی مردم از امامت ساقط نمی‌شود.

امامت منصب و مقامی است که نیازمند به جعل الهی و انتصاب و انتخاب ذات حضرت حق جل و علا می‌باشد.

این امامتی که خداوند می‌فرماید ما جعل و انتخاب می‌کنیم مطلق این مقام و منصب است. طایفه‌ای را که خداوند می‌فرماید از میان بنی اسرائیل امام قرار دادیم بعضی از صالحان و مؤمنان بنی اسرائیل بودند. در بنی اسرائیل خداوند انبیاء زیادی را انتخاب کرد و اینان در میان بنی اسرائیل به عنوان پیشوا بودند. اما همه انبیاء بنی اسرائیل جایگاه و مقام موسی بن عمران علیه السلام را نداشتند و فقط او بود که مقام و جایگاه امامت مطلقه را داشت. خداوند بعضی از صالحان و مؤمنان بنی اسرائیل را بعنوان امام انتخاب کرد که این مطلب با توجه به آیه قبل^(۲) معلوم می‌شود.

۱ - سوره انبیاء آیه ۷۳.

۲ - سوره سجده، آیه ۲۳.

نکته اساسی، این است که مقام هر نوع امام محتاج به جعل الهی است، آن هم نه فقط کسی که دارای امامت و ولایت مطلقه است بلکه کسی که دارای مقام امامت و ولایت مطلقه می‌باشد حساب جداگانه‌ای دارد که بعداً به آن خواهیم پرداخت، آن کسی که می‌خواهد بعنوان امام، پیشوا و هدایت کننده‌ی یک جمعی باشد این منصب و قابلیت آن را خداوند باید به او اعطا کند.

نکته دوم: در آیه کلمه «منهم» ذکر شده است «من» در لغت به معنای بعض آمده است یعنی بعضی از بنی اسرائیل نه همه بنی اسرائیل، همه قابلیت امامت را نداشتند، حال چرا برخی قابلیت امامت را داشتند؟ بلافاصله خداوند می‌فرماید: ﴿لَمَّا صَبَرُوا﴾ یعنی ریشه و اساس این مقام و منصب صبر است. بنیان درخت تنومند امامت صبر و میوه آن هدایت است و درختی می‌تواند میوه هدایت به بار آورد که ریشه در صبر داشته باشد.

صبر چیست؟

صبر به معنای کف نفس و حبس نفس می‌باشد، یعنی خود را نگه داشتن، در مشتیهات، تمایلات، امیال و خواهشهای دل و اساسی‌ترین و اولین گام برای دستیابی به این فضیلت بزرگ کم حرفی می‌باشد.

کسانی که مدعی علوم غریبه‌اند و اهل ریاضت می‌باشند، یکی از کارهایی که می‌کنند صوم سکوت و سخن نگفتن است. حریف زبان خودشان می‌شوند. مهم نیست که انسان مؤمن باشد یا نباشد. یکی سری از اعمال در دنیا آثار وضعی دارد. مثلاً اگر کسی از بالای بام با سر سقوط بکند می‌میرد، اثر وضعی آن مرگ است اگر با پا سقوط کند پایش می‌شکند این یعنی اثر

وضعی . اثر وضعی سکوت کردن و حرف نزدن یک سری از قدرتها است . لذا اگر کسی بتواند اعمال عجیبی انجام بدهد ، دلالت بر این نمی‌کند که این شخص مؤمن و متقی است . پس مهار کردن امیال جسمانی یک سری آثار وضعی به همراه دارد و باعث می‌شود انسان برخی قدرتها را به دست بیاورد . در روزگار ما که مدعیان عرفان و ... فراوانند باید به این نکته توجه داشت .

هر عضوی از اعضا بدن میل به انجام کار خاصی دارد ، مثلاً زبان میل

دارد که زیاد صحبت کند ، حدیث هم داریم :

« من کثر کلامه قلّ عقله »^(۱) .

هر کس سخنش زیاد شد ، عقلش کم می‌شود .

در روایات داریم ،

« من صمت نجی »^(۲) .

هر کس ساکت باشد (از دنیا و آخرت) نجات یافته است .

یکی از کلمات امام سجاد علیه السلام در مورد زبان این است :

« وإجمامه إلا لموضع الحاجة والمنفعة للدين والدنيا »^(۳) .

از گشودن زبان جز به هنگام نیاز و تحصیل منفعت دین و دنیا خودداری کن .

انسان اگر چشم و گوش خود را مالک باشد و سایر تمنّیات و مشتیهات

و شهوات را به هنگام طغیان و غضب مالک باشد ، اگر بر همه اینها صابر شد ،

یعنی بر همه امور دنیا ، مادیات و تعلّقات دنیا مسلط گردید ، تازه در منزل اول

۱- شرح نور الأفهام صفحه ۳۷۷ .

۲- وسایل الشیعه ، ج ۱۲ ص ۲۵۱ .

۳- تحف العقول ، ص ۲۵۷ .

صبر است .

« الصبر ثلاثة : صبر عند المصيبة وصبر على الطاعة وصبر عن المعصية »^(۱) .

صبر سه گونه است : صبر در هنگام مصیبت ، صبر بر طاعت خداوند و صبر از نافرمانی و گناه .

انسان بتواند در گناه خودش را حفظ نکند ، یک مصیبت ، یک خلاء در زندگی پیدا می شود ، بتواند خودش را کنترل نکند ، در مقام اطاعت الهی و انجام فرائض و فرمان الهی بتواند صبور باشد . روزه تابستان هفده ساعت در گرما کار مشکلی است . اما باید صبر کرد . اینها همه صبر بر متعلقات دنیا می باشد . اما این قدم اول صبر است ، و کسی که قرآن می گوید به دلیل صبور بودن امام می شود نه به دلیل صبر بر این امور است ، این امور که سهل است ، همه ما باید بتوانیم تا این حد صبور باشیم . صبر امام عليه السلام ، صبر در خیالبافی است ، ممکن است یک شخصی گناه نکند و هنگام دیدن نا محرم چشمش را ببندد و به ناموس دیگران تجاوز نکند ، نسبت به مؤمن زبان به بدگویی باز نکند ، غیبت و تهمت را استماع نکند ، اما در قوه خیالیّه خودش ، زیباترین زنها را مجسم نکند ، یا یک زنی ، زیباترین مرد دنیا را در خیال خودش مجسم نکند و با او هم آغوش بشود . یا در قوه خیالیه و واهمه خودش به دیگران سوء ظن پیدا نکند ، در عالم خیال هزاران گناه نکند ، ولی تجاهر به گناه ندارد و اقدام عملی هم به هیچ گناه نکند ، اما در واهمه و ذهن خویش خلاف می کند .

۱ - کافی ج ۲ کتاب الإیمان و الکفر باب صبر حدیث ۱۵ .

عیسی ابن مریم علیه السلام خطاب به حواریین می فرماید :

« إن موسى أمركم أن لاتزنوا وأنا آمرکم أن لاتحدّثوا أنفسکم بالزنا »^(۱).

دستور موسی به شما این بود که زنا نکنید اما دستور من آن است که فکر زنا هم نکنید.

فکر گناه نکنید ، فکر گناه مثل آتشی است که در خانه ای روشن بکنید و دود این آتش دیوارهای سفید خانه را سیاه بکند .

« صیام القلب عن الفکر في الاثام أفضل من صیام البطن عن الطعام »^(۲).

روزه داری در فکر و اندیشه یعنی فکر گناه نکردن والاتر و بالاتر از روزه داری و خودداری از خوردن غذا است .

ممکن است خیلی از افرادی را بشناسیم که مرتکب فعل گناه نشوند ، اما چند نفر را می شناسیم که مالک قوه خیال خود باشند و در ذهن ، خیال و وهم خود خلاف و گناه نکنند ، امام علیه السلام باید از این مرحله عبور کرده باشد و این مرحله برای امام علیه السلام سخت و مشکل نمی باشد . زیرا وی به همه حقایق عالم آگاه و بینا می باشد ، لذا فکر گناه هم نمی کند ، بعنوان مثال برای تقریب به ذهن عرض می نمایم آیا تا به حال شده کسی فکر کند به چیزهایی که آلوده و نجس ذاتی هستند نزدیک بشود و آن را بخورد؟!

ما هرگز به خود اجازه نمی دهیم فکر خوردن قاذورات را بکنیم . برای

۱ - کافی ، ج ۵ ص ۵۴۲ .

۲ - عین الحکمة والمراعی ، ص ۳۰۲ .

اینکه پستی و دنائت و پلیدی آن برای ما محرز است لذا فکر آن را هم نمی‌کنیم. زشتی‌ها، پلیدیها و گناهان و امور نا مطلوب در عالم نزد حضرات معصومین علیهم‌السلام چنین وضعیتی دارند، و پلیدی باطن امور برای آنان ظاهر است و لذا فکر گناه هم نمی‌کنند.

یک پله و مرحله از این بالاتر صبر از نعیم بهشت می‌باشد، جوی‌ها و نه‌هایی که قرآن ذکر می‌کند که مملو از شیر و عسل می‌باشد، یا حور العین‌ها و... از اینها هم باید بگذرند. یعنی عبادت خالص.

شرک چگونه وارد عمل می‌شود؟ و چگونه باید آن را پیدا کرد؟ در روایت داریم که،

«الإشراك في الناس أخفى من دبيب النمل على المسح الأسود في الليلة المظلمة»^(۱).

شرک مانند مورچه‌ای که بر روی یک سنگ سیاه در دل شب تاریک حرکت بکند وارد عمل می‌شود.

آیا می‌شود صدای پای آن را شنید؟ شرک اینگونه وارد عمل می‌شود. ما نماز می‌خوانیم که جهنم نرویم، یک درجه ترقی پیدا می‌کنیم و می‌گوییم نماز می‌خوانیم که بهشت برویم آیا این شرک نیست؟ سید الشهدا علیه‌السلام کلامی دارند که شبیه به آن از پدر بزرگوارشان نقل شده است:

«إن قوما عبدوا الله رغبةً فتلك عبادة التجار وإن قوما عبدوا الله

۱- تحف العقول، صفحه ۳۶۱.

رهبةً فتلك عبادة العبيد وإن قوما عبدوا الله شكرياً فتلك عبادة
الأحرار»^(۱).

تاجر پیشگان خداوند را به طمع بهشت عبادت می‌کنند و برده منشان عبادتشان
از ترس آتش است ولی آزاد مردان برای شکر خداوند را عبادت می‌کنند.
صبر حتی بر نعیم آخرت و وعده‌های محقق الهی. یعنی، خدایا نماز
نمی‌خوانم که به بهشت بروم، خدایا اگر نماز می‌خوانم چون قرب تو است آن
را می‌خوانم. اگر بهشت می‌خواهم برای اینکه لقاء تو در آنجا میسر است آن را
می‌خواهم.

«رضا الله رضانا أهل البيت»^(۲).

رضای ما را می‌خواهی؟ هر چه رضای خداوند است رضای ما اهل بیت می‌باشد.
چند نفر را می‌شناسیم که اینگونه باشند؟ غیر از چهارده نفر نداریم. و
لذا صبر بر دنیاو مشتهیات و تمنیات دنیا خیلی کار مشکلی است مگر از دنیا
گذشتن کار ساده‌ای است، مگر از پول گذشتن کار راحتی است؟ واقعاً کار
مشکلی است.

ممکن است کسی از پول، فرزند، تمنیات و شهوات بگذرد. اما از جاه
پرستی و مقام نتواند دست بردارد و دل بکند. عبارت عجیبی در این زمینه
داریم،

«آخر ما یخرج عن قلوب الصديقين حبّ الجاه».

جاه پرستی و مقام پرستی آخرین چیزی است که از قلوب صدیقین خارج

۱- اعیان الشیعه، جلد ۱ ص ۴۲۱.

۲- شرح الاخبار، ج ۳ ص ۱۴۶.

می‌شود.

صدیقین چه کسانی هستند؟ پایین‌تر از معصومین علیهم‌السلام، صدیقین هستند. از پول و شهوت گذشته است بر قوه غضب غالب شده بر قوه واهمه مسلط شده بر همه چیز تسلط پیدا کرده. اما می‌گوید چه کنم؟ مقام را می‌خواهم. گاهی انسان‌هایی هستند که هشتاد، نود سال از خدا عمر گرفته‌اند، وقتی پست و مقام پیش می‌آید پایشان می‌لغزد. یا اگر ببینند ذره‌ای جایگاه و مقامشان ضربه می‌خورد، می‌لرزند. اینجا مزال اقدام است.

پس از دنیا و تعلقات دنیا و برزخ و نعیم آخرت و همه اینها باید عبور کند، حال که از همه اینها عبور کرد می‌شود یک عبد مطلق. اگر شد یک عبد مطلق، می‌شود ربّ مطلق در زیارت آل یاسین می‌خوانیم،
«السلام عليك يا داعي الله ورباني آياته»^(۱).

سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا و پرورش دهنده آیات او.

امام عصر علیه‌السلام به این مقام رسیده، و ربّ گردیده است. این کفر نیست، وقتی عبدالله شدی رب می‌شوی. در زیارت جامعه می‌خوانیم،
«وذل کلّ شيء لکم وأشرقتم الأرض بنورکم وفاز الفائزون بولایتکم»^(۲).

و خوار است هر چیزی برای شما، و روشن گشته زمین به نور شما و رستگار شدند رستگاران با تمسک به ولایت شما.

همه چیز ذلیل امام علیه‌السلام است هر چیزی که مصداق شيء است. آیا

۱ - مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

۲ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

انسانها چیز هستند؟ هستند. ملائکه و جنّ چیز هستند؟ جبرئیل و اسرافیل و میکائیل مصداق چیز هستند یا نیستند؟ همه چیز ذلیل درگاه امام عَلَيْهِ السَّلَام است. همه خاضع درگاه امام اند هیچ وقت عزرائیل برای قبض روح اجازه نمی‌گیرد، ولی برای قبض روح پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دق الباب کرد و اجازه خواست. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در را باز کرد و گفت «من بالباب» چه کسی در را می‌زند. گفت مردی هستم که از راه دور آمده‌ام، حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام گفت: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حال استراحت است برگرد، او برگشت و دوباره دق الباب کرد و برگشت، دفعه سوم که دق الباب کرد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چشمانش را باز کرد و فرمود: دخترم کیست؟ فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام پاسخ داد شخصی است که می‌گوید از راه دور آمده‌ام. پیامبر گفت: فاطمه در را باز کن این عزرائیل است، او از هیچ کس اجازه نمی‌گیرد^(۱).

همه چیز و همه کس ذلیل پیشگاه و درگاه امام عَلَيْهِ السَّلَام است، اگر کسی به این مرتبه رسید، یعنی عبد مطلق شد، ربّ مطلق می‌شود. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام سخنی داریم:

«العبوديّة جوهره كنهها الربوبيّة»^(۲).

عبودیت یک گوهر گرانبهایی است که اساس و عمق آن ربوبیت است. اینکه خداوند دعوت به عبودیت و بندگی می‌کند، در اصل دعوت به ربوبیت می‌کند.

در حدیث قدسی آمده:

۱- بحار الانوار، ج ۲۲ ص ۵۲۷.

۲- مصباح الشریعة، ص ۶۶ ب ۱۰۰.

«عبدی اطعنی تکن مثلی»^(۱).

بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را همانند خود قرار دهم.

اگر یک نفر واقعاً مطیع شد، می‌شود مثل خدا، یعنی بر عالم کون می‌تواند فرمان براند. اینکه پیامبر ﷺ شوق القمر می‌کند، یا امیرالمؤمنین علیه السلام خورشید را بر می‌گرداند چیز عجیبی نیست. رب یعنی کسی که بر همه کون مسلط است، کسی که قدرت پرورش و تربیت همه موجودات را پیدا می‌کند، وقتی حضرت رضا علیه السلام می‌آید پای یک درخت وضو می‌گیرد، آن درخت در زمستان سبز می‌شود و به بار می‌نشیند، در نیشابور این اتفاق افتاد، و تا سالها در تابستان و زمستان این درخت میوه می‌داد.

بیایم کمی خودمان را امتحان بکنیم، در ماه مبارک رمضان که یک کمی مقیدتر می‌شویم، مالک زبان و خوراک می‌شویم، آیا احساس نمی‌کنید کمی فرق کرده‌اید؟ معمولاً احساس می‌کنیم که کمی فرق کرده‌ایم. همین مقدار که انسان مواظب است و قدرت کنترل در خودش ایجاد می‌کند، آثار دارد.

امروز روز شهادت امام سجاد علیه السلام است، در مورد امام سجاد علیه السلام مطالب زیادی بیان شده است، بنده هم مطالبی خدمت شما عرض می‌کنم، ذهبی یکی از علما اهل سنت می‌باشد. او یک عالم رجالی و مورخ است و یک خصوصیت دارد: هر راوی که به معصومین علیهم السلام نزدیک باشد او را تضعیف می‌کند حتی اگر سنی باشد ولی وقتی به امام سجاد علیه السلام رسید گفت: «وکان أهلاً للإمامة العظمی»^(۲) تنها کسی که در مدینه می‌شناسم که صلاحیت برای

۱- الجواهر السنیه، صفحه ۳۶۱.

۲- سیر اعلام النبلاء، ج ۴ ص ۳۹۸.

امامت عظمی را داشته باشد علی ابن الحسین علیه السلام است .

نقل شده در سفری امام سجاد علیه السلام همراه با کاروانی بطور ناشناس به مکه می‌رفتند ، خشک سالی بود و باران نمی‌آمد ، مردم گرفتار عطش بودند و نزدیک بود که همه از بین بروند همه اهل کاروان نماز باران خوانده دعا کردند اما یک قطره باران نیامد . دیدند یک جوانی تنها و دورادور همراه کاروان می‌آید ، گفتند به این جوان بگویم دعا کند ، شاید دعایش مستجاب بشود ، گفتند ای شیخ شما هم دعا کنید . دستها را بلند کرد و گفت :

« سیدی بحبک لی إلا سقیتم الغیث »^(۱) .

مولای من تو را به حق محبت و دوستی‌ات نسبت به من ، اینها را با بارش باران سیراب کن .

نفرمود به اندازه‌ای که من تو را دوست دارم به اینها باران بده ، تا این دعا را کرد ابر سیاهی ظاهر شد و باران آمد همه سیراب شدند و آب برداشتند ، اهل کاروان به وی گفتند : آقا شما کیستی ؟ فرمود : چکار دارید ، شما دعا خواستید و من دعا کردم . آنها اصرار کردند ، فرمود : من علی ابن الحسین هستم ، گفتند شما فرزند پیغمبری ؟ فرمود : آری ، من فرزند کسی هستم که او را در کربلا با لب تشنه سر بردند .

هجده نفر از این خاندان کرامت را در کربلا لب تشنه سر بردند اما این آقا برای اینکه یک نفر از تشنگی تلف نشود آبرویش را به درگاه الهی مایه گذاشت و برایشان آب طلب کرد .

خداوند معرفت مقام ، جایگاه ، شأن و قدرت ائمه علیهم السلام را به ما کرامت بفرماید .

« والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

۱ - صحیفه سجادیه ، ص ۱۰۹ .

... مقام امامت نیازمند به جعل الهی است .
با انتخاب سقیفه و با اجماع مردم و با گرایش
یک گروه کسی که قابلیت امامت ندارد امام
نمی‌شود . از دیگر سوی کسی که به جعل الهی
قابلیت امامت دارد با اعراض و بی‌اعتنایی
مردم از امامت ساقط نمی‌شود .

محل برگزاری جلسات :

کاشان - حسنیه بیت حضرت آیت الله یثربی

تلفن ۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷